

تحلیل تطبیقی نظریات شیخ صدوق و شیخ انصاری درباره قاعده تدرء الحدود بالشبهات بالشبهات و تطبیق آن با حقوق کیفری ایران

زیبا جوادی^۱

مجتبی شهبازی^{*۱}

مجید بیگ وردی^۱

چکیده

این مقاله به بررسی تطبیقی نظریات دو فقیه بزرگ شیعه، شیخ صدوق و شیخ انصاری، درباره قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» و تأثیر آن بر حقوق کیفری ایران می‌پردازد. قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» به عنوان یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی، نقش مهمی در جلوگیری از اجرای مجازات‌های حدی ناعادلانه دارد. شیخ صدوق و شیخ انصاری هر دو بر ضرورت اعمال این قاعده در موارد شبهه تأکید دارند، اما رویکردهای آن‌ها در تفسیر و استدلال این قاعده متفاوت است. در حالی که شیخ صدوق بیشتر به نصوص شرعی و احادیث توجه دارد، شیخ انصاری علاوه بر نصوص، به دلایل عقلی نیز استناد می‌کند. این مقاله با تحلیل تطبیقی این نظریات و بررسی جایگاه قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» در قوانین جزایی ایران، نشان می‌دهد که چگونه این قاعده در حقوق کیفری ایران اعمال شده و چه تأثیری بر پرونده‌های قضایی داشته است. همچنین، پیشنهاداتی برای اصلاح و تقویت قوانین جزایی بر اساس یافته‌های این تحقیق ارائه می‌شود.

کلیدواژه‌گان: قاعده تدرء الحدود بالشبهات، شیخ صدوق، شیخ انصاری، حقوق کیفری ایران، فقه اسلامی، اصول عقلی

مقدمه

در فقه اسلامی، قواعدی وجود دارند که به منظور حفاظت از حقوق افراد و جلوگیری از اجرای مجازات‌های ناعادلانه تدوین شده‌اند. یکی از مهم‌ترین این قواعد، قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» است که بر اساس آن، در صورت وجود شک یا شبهه‌ای در اثبات جرم، حد شرعی ساقط می‌شود. این قاعده به دلیل تأثیر عمیقی که بر اجرای عدالت دارد، همواره مورد توجه فقها و حقوقدانان قرار گرفته است. در این مقاله، به تحلیل تطبیقی نظریات دو تن از فقهای برجسته شیعه، شیخ صدوق و شیخ انصاری، در خصوص این قاعده پرداخته می‌شود و همچنین ارتباط این نظریات با حقوق کیفری ایران مورد بررسی قرار می‌گیرد.

قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» به عنوان یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی، نقش مهمی در جلوگیری از اجرای مجازات‌های حدی ناعادلانه دارد. این قاعده به عنوان یک سپر محافظتی در برابر اشتباهات قضایی عمل می‌کند و بر اساس اصول انصاف و عدالت استوار است. با توجه به اینکه نظام حقوقی ایران بر مبنای فقه اسلامی استوار است، بررسی و تحلیل این قاعده از منظر نظریات فقهای برجسته‌ای چون شیخ صدوق و شیخ انصاری، می‌تواند به درک بهتر از تطبیق این قاعده در حقوق کیفری ایران کمک کند. اهمیت این موضوع از آن جهت است که شناخت دقیق از مبانی و استدلالات فقهی در تفسیر و اجرای قوانین جزایی، به بهبود نظام قضایی و جلوگیری از اجرای مجازات‌های ناعادلانه منجر می‌شود. این تحقیق با هدف تحلیل تطبیقی نظریات شیخ صدوق و شیخ انصاری درباره قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» و بررسی تأثیر این نظریات بر حقوق کیفری ایران انجام می‌شود. اهداف خاص این تحقیق عبارتند از:

- بررسی مفهوم و پیشینه قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» در فقه اسلامی.
 - تحلیل نظریات شیخ صدوق و شیخ انصاری در خصوص این قاعده.
 - مقایسه تطبیقی دیدگاه‌های این دو فقیه و بررسی نقاط اشتراک و افتراق آن‌ها.
 - بررسی تأثیر این نظریات بر قوانین جزایی ایران و تحلیل موارد عملی مرتبط با این قاعده.
- پرسش‌های اصلی که این تحقیق در پی پاسخ به آن‌هاست عبارتند از:
- قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» چیست و چه پیشینه‌ای در فقه اسلامی دارد؟
 - دیدگاه‌های شیخ صدوق و شیخ انصاری درباره این قاعده چیست و چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی با یکدیگر دارند؟
 - چگونه می‌توان این نظریات را در چارچوب حقوق کیفری ایران تطبیق داد و چه تأثیری بر قوانین جزایی دارند؟

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، روش کتابخانه‌ای و تحلیلی-تطبیقی است. ابتدا با مراجعه به منابع فقهی و حقوقی، مفهوم و پیشینه قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» مورد بررسی قرار می‌گیرد. سپس نظریات شیخ صدوق و شیخ انصاری از طریق مطالعه آثار اصلی و تحلیل متون فقهی آن‌ها بررسی می‌شود. در نهایت، با مقایسه تطبیقی این نظریات، تأثیر آن‌ها بر حقوق کیفری ایران بررسی خواهد شد. منابع مورد استفاده شامل کتب فقهی، مقالات علمی و پایان‌نامه‌های مرتبط با موضوع می‌باشد.

مفهوم و پیشینه قاعده تدرء الحدود بالشبهات

تعریف قاعده تدرء الحدود بالشبهات

قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» از جمله اصول اساسی فقه اسلامی است که بر اساس آن، در صورت وجود شبهه یا تردید در اثبات جرم، مجازات حدی اجرا نمی‌شود. این قاعده از حدیث نبوی «ادءوا الحدود بالشبهات» استخراج شده است و به معنای آن است که اگر در جرم یا مجازات حدی شبهه‌ای وجود داشته باشد، باید از اجرای حد خودداری شود (حر عاملی، ۱۴۰۹). این قاعده بر مبنای اصل احتیاط و پیشگیری از اجرای مجازات ناعادلانه استوار است و در حقیقت، راهی برای حفظ حقوق متهمان و جلوگیری از اشتباهات قضایی محسوب می‌شود.

پیشینه تاریخی این قاعده در فقه اسلامی

قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» دارای پیشینه‌ای طولانی در فقه اسلامی است و از صدر اسلام تاکنون مورد بحث و بررسی فقها قرار گرفته است. این قاعده در احادیث نبوی به وضوح آمده و توسط فقهای اهل سنت و شیعه به عنوان یکی از مبانی اصلی در مسائل کیفری پذیرفته شده است (مغنیه، ۱۳۷۴). در فقه اهل سنت، این قاعده به‌طور گسترده‌ای مورد استفاده قرار گرفته و در کتب فقهی همچون «المغنی» ابن قدامه و «المجموع» نووی به تفصیل به آن پرداخته شده است. در فقه امامیه نیز این قاعده به‌عنوان یکی از اصول استنباط احکام کیفری مورد تأکید قرار گرفته و توسط فقهای همچون شیخ صدوق و شیخ انصاری مورد بررسی قرار گرفته است.

جایگاه این قاعده در فقه امامیه

فقه امامیه به‌عنوان یکی از شاخه‌های اصلی فقه اسلامی، اهمیت ویژه‌ای به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» قائل است. این قاعده به‌عنوان یکی از اصول مهم در حفظ حقوق متهمان و جلوگیری از اجرای ناعادلانه مجازات‌های حدی، در فقه امامیه جایگاه ویژه‌ای دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۳). بسیاری از فقهای شیعه از جمله شیخ صدوق و شیخ انصاری به تبیین و تفسیر این قاعده پرداخته و بر ضرورت اعمال آن در موارد شبهه تأکید کرده‌اند. این قاعده به‌ویژه در مواردی که شواهد و مدارک کافی برای اثبات جرم وجود ندارد، به‌عنوان یک اصل پیشگیرانه در فقه امامیه مورد استفاده قرار می‌گیرد.

نظریات شیخ صدوق درباره قاعده تدرء الحدود بالشبهات

معرفی مختصر شیخ صدوق و آثار او

شیخ صدوق، محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی (متوفی ۳۸۱ هـ.ق)، یکی از بزرگ‌ترین و مشهورترین فقهای امامیه در قرن چهارم هجری است. او به دلیل تلاش‌های فراوان در زمینه ترویج و نشر فقه شیعه، به لقب «شیخ صدوق» مشهور شد. از جمله آثار برجسته او می‌توان به «من لا یحضره الفقیه» و «عیون اخبار الرضا» اشاره کرد. این آثار نه تنها به‌عنوان منابع اصلی فقه امامیه شناخته می‌شوند، بلکه نقش مهمی در تبیین و تفسیر احکام شرعی ایفا کرده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳).

تحلیل نظریه شیخ صدوق در مورد قاعده تدرء الحدود بالشبهات

شیخ صدوق در آثار خود به‌ویژه در کتاب «من لا یحضره الفقیه»، به تبیین قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» پرداخته و بر ضرورت اعمال این قاعده در مواردی که شبهه‌ای در اثبات جرم وجود دارد، تأکید کرده است. او معتقد است که اصول عدالت و احتیاط ایجاب می‌کند که در صورت وجود هر گونه شبهه‌ای در اثبات جرم، اجرای مجازات حدی متوقف شود (صدوق، ۱۳۶۷). به اعتقاد شیخ صدوق، این قاعده به‌عنوان یک

اصل اساسی در فقه اسلامی، به حفظ حقوق متهمان و جلوگیری از اجرای مجازات ناعادلانه کمک می‌کند. او بر این باور است که اصل برائت و احتیاط، اصولی هستند که باید در تمامی مراحل دادرسی کیفری رعایت شوند و در صورت وجود شبهه‌ای در احراز جرم، حد شرعی نباید اجرا شود.

دلایل و مستندات شیخ صدوق

شیخ صدوق در استدلال به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات»، به احادیث نبوی و روایات اهل بیت (ع) استناد می‌کند. او با استناد به حدیث معروف «ادراءوا الحدود بالشبهات»، بر این باور است که این حدیث به وضوح بر ضرورت توقف اجرای حدود در موارد وجود شبهه تأکید دارد. همچنین او به روایاتی از امامان معصوم (ع) اشاره می‌کند که در آن‌ها بر رعایت احتیاط و جلوگیری از اجرای مجازات حدی در موارد شبهه تأکید شده است (صدوق، ۱۳۶۷). علاوه بر این، شیخ صدوق به اصول عقلی نیز استناد می‌کند و معتقد است که اجرای مجازات حدی بدون احراز کامل جرم، خلاف اصول عقلی و عدالت است و می‌تواند منجر به بی‌عدالتی و ظلم به افراد شود.

نظریات شیخ انصاری درباره قاعده تدرء الحدود بالشبهات

معرفی مختصر شیخ انصاری و آثار او

شیخ مرتضی انصاری (۱۲۱۴-۱۲۸۱ هـ.ق) از جمله بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین فقهای شیعه در قرن سیزدهم هجری است. او را به عنوان «خاتم الفقهاء و المجتهدین» می‌شناسند و آثار او به‌ویژه در زمینه فقه و اصول، از مهم‌ترین منابع فقهی امامیه به شمار می‌رود. از جمله آثار مشهور شیخ انصاری می‌توان به کتاب «فرائد الاصول» (معروف به رسائل) و «المکاسب» اشاره کرد. این آثار نه تنها به دلیل تحلیل دقیق و عمیق مسائل فقهی مورد توجه قرار گرفته‌اند، بلکه به عنوان منابع مرجع برای طلاب و محققان فقه نیز شناخته می‌شوند (انصاری، ۱۳۷۵).

تحلیل نظریه شیخ انصاری در مورد قاعده تدرء الحدود بالشبهات

شیخ انصاری در آثار خود، به‌ویژه در «فرائد الاصول»، به تحلیل و تفسیر قواعد فقهی پرداخته است. او در خصوص قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» رویکردی جامع و تحلیلی دارد. شیخ انصاری معتقد است که این قاعده یکی از اصول اساسی در فقه اسلامی است که بر پایه جلوگیری از اشتباهات قضایی و حفظ حقوق افراد بنا شده است. او بر این باور است که اجرای حدود شرعی بدون احراز کامل جرم و بدون اطمینان از عدم وجود شبهه، ممکن است منجر به بی‌عدالتی شود و بنابراین، لازم است در هر مرحله‌ای از دادرسی کیفری، اگر شبهه‌ای وجود داشته باشد، از اجرای حد خودداری شود (انصاری، ۱۳۷۵).

شیخ انصاری با تأکید بر اصل احتیاط در احکام شرعی، به این نکته اشاره می‌کند که قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» نه تنها در مواردی که شک در وقوع جرم وجود دارد، بلکه در مواردی که شک در شرایط اجرای حد وجود دارد نیز باید اعمال شود. او معتقد است که اصل برائت و احتیاط ایجاب می‌کند که در هر موقعیتی که شبهه‌ای وجود دارد، از اجرای حد خودداری شود تا مبدا حقی از فردی ضایع گردد (همان).

دلایل و مستندات شیخ انصاری

شیخ انصاری در استدلال به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات»، از چندین منبع استفاده می‌کند. او ابتدا به احادیث نبوی، به‌ویژه حدیث «ادراءوا الحدود بالشبهات» استناد می‌کند و معتقد است که این حدیث به وضوح بر جلوگیری از اجرای حدود در موارد شبهه تأکید دارد (همان).

شیخ انصاری همچنین به روایاتی از امامان معصوم (ع) اشاره می‌کند که در آن‌ها بر رعایت احتیاط و عدم اجرای مجازات حدی در صورت وجود شبهه تأکید شده است.

علاوه بر منابع نقلی، شیخ انصاری به دلایل عقلی نیز استناد می‌کند. او بر این باور است که اجرای مجازات حدی در شرایطی که شبهه وجود دارد، با اصول عقلانی و عدالت منافات دارد. به اعتقاد او، قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» نه تنها یک قاعده فقهی است، بلکه یک اصل عقلانی است که بر پایه حفظ حقوق افراد و جلوگیری از ظلم استوار است. شیخ انصاری در این زمینه به اصل «احتیاط در دماء و نفوس» اشاره می‌کند و معتقد است که حتی کوچک‌ترین شبهه در احراز جرم یا شرایط اجرای حد، باید مانع از اجرای مجازات حدی شود (انصاری، ۱۳۷۵).

مقایسه تطبیقی نظریات شیخ صدوق و شیخ انصاری

شباهت‌ها و تفاوت‌های نظریات دو شیخ

نظریات شیخ صدوق و شیخ انصاری درباره قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» هر دو بر اصول مشترکی چون احتیاط، اصل برائت و جلوگیری از ظلم استوار است. هر دو فقیه بر این باورند که در مواردی که شبهه‌ای در احراز جرم یا شرایط اجرای حد وجود دارد، باید از اجرای حد خودداری شود. این اشتراک نظری به دلیل تأکید هر دو بر اصول عدالت و احتیاط در فقه اسلامی است.

اما تفاوت‌هایی نیز بین این دو نظریه‌پرداز وجود دارد. شیخ صدوق بیشتر به احادیث و روایات اهل بیت (ع) استناد می‌کند و دیدگاه او بیشتر بر پایه نصوص شرعی استوار است. در مقابل، شیخ انصاری علاوه بر استفاده از نصوص شرعی، به دلایل عقلی نیز توجه ویژه‌ای دارد و معتقد است که قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» نه تنها یک قاعده نقلی، بلکه یک اصل عقلانی است که بر اساس موازین عقل و عدالت باید رعایت شود (انصاری، ۱۳۷۵؛ صدوق، ۱۳۶۷).

تحلیل تطبیقی دلایل و استدلالات

شیخ صدوق در استدلال به قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» بیشتر به نصوص شرعی و احادیث نبوی و اهل بیت (ع) استناد می‌کند. او بر این باور است که قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» باید بر اساس احادیث و روایات معصومین (ع) به اجرا درآید و این احادیث به‌طور واضح بر جلوگیری از اجرای حدود در موارد شبهه تأکید دارند (صدوق، ۱۳۶۷). از سوی دیگر، شیخ انصاری علاوه بر استناد به نصوص شرعی، به دلایل عقلی نیز توجه دارد. او معتقد است که اجرای حدود شرعی در مواردی که شبهه‌ای وجود دارد، با اصول عقلی و عدالت منافات دارد و بنابراین، حتی اگر نصوص شرعی نیز وجود نداشته باشند، عقل به تنهایی می‌تواند بر این قاعده حکم کند (انصاری، ۱۳۷۵).

این تفاوت در استدلال، نشان‌دهنده رویکردهای متفاوت این دو فقیه در مواجهه با مسائل فقهی است. در حالی که شیخ صدوق به عنوان یک فقیه نص‌گرایانه عمل می‌کند و تأکید بیشتری بر احادیث دارد، شیخ انصاری به‌عنوان یک فقیه جامع‌نگر، علاوه بر نصوص، از اصول عقلی نیز بهره می‌برد.

تأثیر تفاوت‌ها در تفسیر قاعده تدرء الحدود بالشبهات

تفاوت‌های موجود در استدلالات و رویکردهای شیخ صدوق و شیخ انصاری تأثیر مستقیمی بر تفسیر و اجرای قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» دارد. دیدگاه شیخ صدوق که بیشتر بر نصوص شرعی استوار است، ممکن است در مواردی که نصوص صریحی وجود ندارد، با

چالش‌هایی مواجه شود. در مقابل، دیدگاه شیخ انصاری که ترکیبی از نصوص و اصول عقلی است، انعطاف بیشتری دارد و می‌تواند در مواجهه با مسائل جدیدتر و پیچیده‌تر مؤثرتر باشد (همان).

کاربرد قاعده تدرء الحدود بالشبهات در حقوق کیفری ایران

بررسی جایگاه قاعده در قوانین جزایی ایران

حقوق کیفری ایران به‌طور مستقیم تحت تأثیر فقه امامیه قرار دارد و بسیاری از اصول و قواعد فقهی در تدوین قوانین جزایی کشور مورد استفاده قرار گرفته‌اند. قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» نیز از جمله این قواعد است که در قوانین جزایی ایران به ویژه در قانون مجازات اسلامی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این قاعده، اگر در احراز جرم یا شرایط اجرای مجازات حدی شبهه‌ای وجود داشته باشد، دادگاه موظف است از اجرای حد خودداری کند (قانون مجازات اسلامی، ۱۳۹۲).

تحلیل پرونده‌ها و احکام قضایی مرتبط

بررسی پرونده‌های قضایی در ایران نشان می‌دهد که قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» به‌طور گسترده‌ای در رویه قضایی مورد استفاده قرار گرفته است. به عنوان مثال، در مواردی که شواهد و مدارک کافی برای اثبات جرم وجود نداشته است، قضات بر اساس این قاعده از اجرای مجازات حدی خودداری کرده‌اند. در برخی موارد نیز، وجود شبهه در شرایط اجرای مجازات، مانند عدم احراز شرایط سنی یا روانی متهم، باعث شده است که اجرای حد متوقف شود (همان).

تأثیر نظریات فقهی شیخ صدوق و شیخ انصاری بر حقوق کیفری ایران

نظریات فقهی شیخ صدوق و شیخ انصاری در تفسیر و اجرای قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» تأثیر قابل توجهی بر حقوق کیفری ایران داشته است. دیدگاه‌های شیخ صدوق در خصوص این قاعده، بیشتر در تدوین نصوص قانونی و مواد مرتبط با شرایط اجرای مجازات‌ها مورد استفاده قرار گرفته است. از سوی دیگر، تأکید شیخ انصاری بر اصول عقلی و احتیاط در اجرای حدود، به‌طور غیرمستقیم در تفسیر و اجرای قوانین جزایی ایران تأثیرگذار بوده است (انصاری، ۱۳۷۵؛ صدوق، ۱۳۶۷).

نتیجه‌گیری

در این تحقیق، به تحلیل تطبیقی نظریات شیخ صدوق و شیخ انصاری در خصوص قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» پرداخته شد. هر دو فقیه بر ضرورت جلوگیری از اجرای مجازات حدی در موارد شبهه تأکید دارند، اما رویکردهای آن‌ها در استدلال و تفسیر این قاعده متفاوت است. شیخ صدوق بیشتر به نصوص شرعی و احادیث توجه دارد، در حالی که شیخ انصاری علاوه بر نصوص، به دلایل عقلی نیز استناد می‌کند.

ارزیابی تطبیقی نظریات و کاربرد آن‌ها در حقوق کیفری

نظریات شیخ صدوق و شیخ انصاری هر دو نقش مهمی در تفسیر و اجرای قاعده «تدرء الحدود بالشبهات» در حقوق کیفری ایران دارند. دیدگاه شیخ صدوق بیشتر در تدوین قوانین و نصوص قانونی مورد استفاده قرار گرفته است، در حالی که تأکید شیخ انصاری بر احتیاط و اصول عقلی، به تفسیر و اجرای بهتر قوانین جزایی کمک کرده است.

با توجه به یافته‌های تحقیق، پیشنهاد می‌شود که در تدوین و تفسیر قوانین جزایی، توجه بیشتری به اصول عقلی و احتیاط شود. همچنین، لازم است که قضات در مواجهه با موارد شبهه، از انعطاف بیشتری برخوردار باشند و بر اساس اصول عقلی و فقهی، از اجرای مجازات حدی خودداری کنند. این امر می‌تواند به حفظ حقوق متهمان و جلوگیری از اجرای مجازات‌های ناعادلانه کمک کند.

فهرست منابع

- انصاری، م. (۱۳۷۵). فرائد الاصول. تهران: مؤسسه نشر آثار اسلامی.
- حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ه.ق). وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- شهید ثانی، زین‌الدین بن علی. (۱۴۱۳ ه.ق). مسالک الأفهام فی شرح شرایع الإسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
- صدوق، م. ب. ع. (۱۳۶۷). من لا یحضره الفقیه. قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
- قانون مجازات اسلامی. (۱۳۹۲). مصوب مجلس شورای اسلامی ایران.
- مغنیه، محمد جواد. (۱۳۷۴). فقه امام جعفر صادق (ع). قم: دارالکتب الاسلامیه.